

پژوهشی در بازنمایی

و بازشناسی آثار کاتب

حسین نابل

بدون شک پس از میرخواند مؤلف روضة الصفا و تاریخ نگار عهد تیموریان، فیض محمد کاتب بزرگترین مؤرخ وطن ما به حساب می آید و به قول یکی از دانشمندان معاصر به حق می توان او را «بیهقی عصر حاضر» به شمار آورد.

زیادت آثار این مرد دانش و سیاست و دیانت و هنر، از فضل بی پایان، وسعت اطلاعات، قلم توانا و حوصله ای سرشار او به ما آگاهی می بخشد، در حالیکه، کیفیت این آثار نیز به هیچوجه کمتر از کمیت آن نمی باشد.

کاتب که به «ملا» نیز شهرت دارد، رویدادها و حالات سیاسی و اجتماعی افغانستان را از سال ۱۱۶۰ تا ۱۳۴۷ قمری که نزد یک به دو صد سال می شود در نوشته های خود به صورت بسیار واقعبینانه و بدون مبالغه و فارغ از غرضمندی و متکی به مدارک موثق و دست اول بازتاب داده است.

در نوشته های کاتب حادثات سالهای (۱۱۶۰ - ۱۲۵۸ قمری) که روزگار سدوزایی هاست و آثار دیگری نیز در آن زمینه وجود دارند، تفصیل بیشتر واقعات در نظر گرفته نشده، اما واقعات بعد از (۱۲۵۸) که نزد یک به عهد مؤلف و یا شامل در زمان او می باشند، مشروحتر و همه جانبه تر مورد گفت و گو قرار داده شده اند.

آغازین سالهای رسالت کاتب به امر آفرینش تاریخ وطن، با واپسین سالهای قدرت عبد الرحمن امیر جبار، مصادف بود و او مجبور بود تمام بیعدالتیها و مظالمی را که بر مردم تحمیل می شد، به دلخواه مقامات وقت، در نوشته های خود جلوه دهد. با اینهمه او به وجه نهایت زیرکانه، اعمال ناروای دروای الفاظ و کلمات و در لفافه طنز و کنایات جابه جا می کرد و در معرض بیان می گذاشت تا نسلهای بعد از خود را از آن همه ناروایی ها آگاهی بخشد.

شناخت و تحلیل و بررسی همه جانبه آثار ملای کاتب و درک خصوصیات آن از نظر جامعه شناسی و تاریخ نویسی در زمان او، و جلوه های حقایق اجتماعی در آنها، کار بزرگیست که انجام آن به سادگی میسر نیست و باید در پویه زمان و با توجه تدریجی به دست کس یا کسان باصلاحیت به فرجام آورده شود و هم بدان سان جمع

آوری و تدوین و تصنیف این آثار اگرچه برای چاپ و نشر نباشد و یا مناسب به شرایط دانسته نشود، از وجایب اهل تحقیق و قلم، به حساب می‌آید که باید با توجه به امکانات و شرایط، در جریان اوقات به تحقیق برسند.

نفوذ و انعکاس آثار ملای کاتب در نوشته‌های معاصران او و مؤلفان بعد از او و برگردان آثارش به زبانهای دیگر یکی از موارد بازم قابل تحقیق در شناخت شخصیت ملا دانسته می‌شود که گویا تاکنون پژوهشی در این باره صورت نگرفته است.

یکی از مؤلفان معاصر کاتب، عبدالمحمد مودب السلطان نگارنده کتاب هفت جلدی «امان التواریخ» است که هم از افادت او و هم از نوشته‌های چاپ شده و چاپ نشده‌ای او به حیث مرجع دست اول سود جسته و این مطلب را در چند جا از کتاب خود به یاد داده است و از جمله در جایی گوید:

...در سنه ۱۳۴۰ قمری که به افغانستان مسافرت نمودم... و جناب فضایل مآب و معارف نصاب ملا فیض محمد کاتب که جامع کمالات عالیه و معلومات مفیده بوده به تدوین و تحریر... نگارنده را مرهون کلک هنر سلک خویش فرمود.^۱

تیمورخانیف مؤلف کتاب «هزاره‌ها» که خود نیز از مجلدات سه گانه سراج التواریخ بهره گرفته، در مقدمه اثر خود گوید: «شرح، تفسیر و اهمیت جلدهای اول و دوم سراج التواریخ ذریعه مؤرخ و محقق روسی سیمینوف صورت گرفته است.»^۲ باید یاد آوری شود که به سال ۱۳۵۸ مجموعه‌ای از آثار و یادداشتهای ملا و اسناد و فرامین و مکاتب مربوط به او، از خانواده‌اش برای آرشیف ملی خریداری شده از خطر نابودی نجات یافته است. این مجموعه شامل چهار اثر در (۳۲۶۷) صفحه و (۷۶) قلم نقل فرامین، اسناد، مکاتیب و یادداشتهای گوناگون در (۴۴۷) صفحه می‌باشد که جمعاً بر (۳۷۱۴) صفحه بالغ می‌شود البته با جست‌وجوهای دیگر، به بازایی بیشتر از دستاوردهای ملا و نوشته‌هایی درباره او توفیق به دست خواهد آمد.

آنچه از آثار مطبوع و غیر مطبوع و دفترهای استنساخ شده به خط زیبای او تاکنون به شناخت آمده‌اند، درین نوشته به اختصار مورد شناسایی قرار داده می‌شوند.

الف - تألیفات کاتب

۱ - تحفة الحبيب - جلد اول

تألیف کتابی به نام تحفة الحبيب در حالتی که عدم سلامت شرایط و سکوت

۱. امان التواریخ، ج ۵، ص ۸۷.

۲. تیمورخانیف، هزاره‌ها، ص ۳ (مقدمه ترجمه غیر مطبوع).

مرگبار، در همه جا سایه افکنده بود و سخن گفتن از اعمال حکومت گناه کبیره به حساب می آمد، برای ملایک رسالت بود، رسالتی آگاهانه و سپرده شده.

تحفة الحبيب در چنین شرایطی به آغاز در آمد و در دو جلد به تحریر در آورده شد که رویدادهای مملکت را از (۱۱۶۰ تا ۱۲۹۷ ق) در برداشته و در نظر بوده که جلد ثالث آن مشتمل بر سالهای بعد از (۱۲۹۷) تا عهد مؤلف نیز به تألیف درآید.

آنگاه که تحریر مجلدات اول و دوم به پایان آمد، حبيب الله خان با دوسه تن از رجال دانشمند و مجرب در بار آن را مورد غور و بررسی قرار دادند و عمل سانسور را بر آن جاری گردانیدند. هیأت، یادداشتها و اعتراضاتی در حواشی کتاب نوشته و بالای پاره‌ایی از مطالب خط کشیده و درج آنها را در تاریخ آن عهد بی لزوم دانسته‌اند.

بر اثر نظریات محافظه کارانه و حسادت آگین، تحفة الحبيب مصادره و از چاپ بازداشته شد و مؤلف بعد از سرزنشها و توصیه‌های مؤکد، مجدداً به تحریر تاریخ مورد نظر با نام دیگر، طرح دیگر موظف گردید و این بار کتاب سراج التواریخ را به نگارش در آورد که هر بخش آن پس از نوشته شدن، بلافاصله مورد بررسی قرار می‌گرفت.

جلد اول تحفة الحبيب که قبل از (۱۳۲۰ ق) نوشته شده حوادث کشور را از سال (۱۱۶۰) تا سقوط سلسله سدوزایی در (۱۲۵۸) در بر دارد و مؤلف در بازآفرینی رویدادهای این مدت از مدارک معمول و موجود و اضافه بر آن از خاطره‌ها و یادداشت‌های خصوصی رجال و حکایات شفاهی و استدراکات خود استفاده برده و لحظه‌های نا شناخته‌یی از آن روزگاران را باز نموده است. نسخه موجود این جلد به خط غلام قادر کاکری و بدون تاریخ کتابت موجود است که دارای قطع ۱۷×۲۸ و (۵۶۷) صفحه می‌باشد.

از مطالب این جلد در تحریر جلد اول سراج التواریخ که زمانه اشتمال هر دو یکی است، استفاده زیاد صورت گرفته و حتی پاره‌ایی از مسایل از آن عیناً نقل شده است.

۲- تحفة الحبيب - جلد دوم:

جلد دوم تحفة الحبيب که مؤلف خود، کتابت آن را در ماه شوال (۱۳۲۲ قمری) به پایان آورده در (۸۸۵) صفحه و قطع ۱۷×۲۸ برجای مانده است. محتویات این جلد وقایع و جریانات سالهای ۱۲۵۸ تا ۱۲۹۷ - را رویت می‌بخشد.

جلد دوم که از لحاظ زمانی به اجداد حبيب الله خان ارتباط داشته است، بیشتر مورد غور قرار داده شده و مطالب فراوانی را بنابر اقتضای سیاست وقت از آن حذف

کرده و یا بدان افزوده‌اند و نیز تبصره‌ها و اظهارنظرهایی از طرف سانسورگران در حواشی کتاب صورت پذیرفته است که این تبصره‌ها گاهی به جا و معقول و زمانی غیر موجه به نظر می‌آیند.

۳ - تحفة الحیب - جلد سوم

قبلاً مجلدات یکم و دوم تحفة الحیب در دسترس بود و گمان می‌رفت که جلد سوم به نگارش نیامده باشد ولی اخیراً نسخه‌ای از جلد سوم به آرشیف ملی عرضه شده است.

این نسخه به خط ریز و روزمره خود مؤلف است که گویا سانسور و پاک‌نویس نشده. صفحات موجود این نسخه تا (۲۳۶) بر جای است که حوادث سالهای ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۷ را نشان می‌دهد و صفحات بعدی آن موجود نیست و نسخه ناتمام و ناقص است.

پیدا شده این نسخه هم شماره تألیفات ملا را بلند می‌برد و هم به عدد نگاشته شده به خط اومی افزایش در حالیکه ارزش مندرجات آن برای تاریخ افغانستان نیز به شدت قابل توجه است.

هر سه جلد تحفة الحیب خوشبختانه از میان نرفته و اکنون در مجموعه نسخ خطی آرشیف ملی نگهداری می‌شوند.^۱

۴ - سراج التواریخ - جلد اول

بیگمان مجلدات سه‌گانه‌ای سراج التواریخ با شرایط تاریخ‌نویسی وقت نسبت به همه آثار پدید آورده شده در این عهد جامع‌تر و مستندتر است. واقعات و رویدادها به تفصیلی که در این کتاب ایضاح و بیان گردیده علی‌الظاهر در هیچ یک از کتب تألیف شده دیگر در این عهد آورده نشده‌اند. سایه روشنیهای از علل مسائل و ارتباط آنها با سرزمینهای مجاور جابه‌جابه دست داده شده که خواننده به سهولت حقیقت امر را دریابد.

سعی مؤلف بر این معطوف بوده است تا چشم‌اندازها علی‌قدر الامکان به صورت مشروح توجیه و درج کتاب گردند و از همین شرح، و بسط رویدادهاست که حجم این کتاب با قطع بزرگ به (۱۲۴۰) صفحه می‌رسد و اگر جلد چهارم آن دستیاب گردد آنگاه تعداد صحایف آن به بیش از دو هزار بالغ خواهد شد.

۱. برای آشنایی بیشتر با هر دو جلد تحفة الحیب، به مقالاتی که به صورت مشخص راجع به آن کتاب نوشته شده، در همین مجموعه مراجعه شود. (مقتور مجموعه مقالات پادشاه کاتب است - سراج)

مؤلف که خود عضو دارالانشا بوده هنگام ایجاد این اثر، مواد و مدارک فراوان دست اول را در اختیار داشته است.

از لحاظ زمانه بندی، جلد اول سراج التواریخ، وقایع سالهای ۱۱۶۰ تا ۱۲۵۸ را که مدت ۹۸ سال می شود در بر دارد و بدان سان که در پایان کتاب تصریح یافته، این جلد به تاریخ یوم سه شنبه ۲۹ جمادی الاول ۱۳۳۱ قمری به پایان آمده و در همان سال به چاپ رسیده و مشتمل بر (۱۹۴) صفحه به قطع بزرگ می باشد و از یادآوری مؤلف در جلد سوم معلوم می شود که مسوده جلد اول به سال ۱۳۲۵ قمری به اكمال رسیده است^۱ اما اینکه تاریخ آن در پایان کتاب سال ۱۳۳۱ قید شده مسلماً این تاریخ مربوط به زمان نوشتن تمه یا خاتمه کتاب است که بعدتر نوشته شده یعنی هنگامی که کتاب از سانسور فراغت یافته و آماده طبع گردیده است.

۵- سراج التواریخ - جلد دوم

این جلد سراج التواریخ از ۱۲۵۹ که زمان استقرار امارت دوست محمد خان است آغاز می یابد و تا ۱۲۹۷، ادامه پیدا می کند که هنگام سقوط محمد یعقوب خان است و صفحات آن به ادامه جلد اول از (۱۹۵) آغاز و به ۳۷۷ پایان یافته است که به تنهایی (۱۸۳) صفحه به قطع بزرگ است.

جلد دوم که بین سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ هجری به اكمال رسیده در همین سال در مطبعه حروفی کابل طبع و با جلد اول یک جا و قایه گردیده است.

۶- سراج التواریخ - جلد سوم

جلد سوم سراج التواریخ که به وقایع سالهای ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۴ هجری اختصاص یافته از صفحه ۳۷۸ آغاز می شود و به صفحه (۱۲۴۰) به پایان می رسد و به تنهایی به (۸۶۲) صفحه بالغ می گردد. می توان یادآور شد که رویدادها تا سال ۱۳۱۹ باید در این جلد که مربوط زمان تسلط امیر عبدالرحمان است باز تاب می یافت ولی به اثر پیشامدی که به ما روشن نیست چاپ آن تا سال ۱۳۱۴، ادامه یافته و به صورت ناتمام و قایه شده و پنج سال باقیمانده عهد امیر مذکور به چاپ نیامده است، اما خوشبختانه مسودات جریانات این پنج سال نیز از میان نرفته و در جمله آثار ملا در آرشیف ملی موجود می باشد.

مسلماً جلد سوم سراج التواریخ مهمترین و بزرگترین بخش این اثر است که (۸۶۲) صفحه به قطع بزرگ و حروف ریز می باشد و چاپ آن طوریکه در صفحه اول

ضبط گردیده به سال ۱۳۳۳ در کابل صورت پذیرفته و در تألیف آن علاوه بر کتب چاپی، از فرامین و مکاتیب و معاهدات و اسناد گوناگون دیگر استفاده شده که همه مواد دست اول و منحصر بفرد بوده و محفوظات و خاطرات شخصی رجال عصر، آن منابع را مایه و رتر گردانیده‌اند و مزید بر اینها مؤلف که هنگام جوانی در جنگها و مصالحه‌ها اشتراک داشته^۱ و سالهای زیادی را به دربار با همیشینی رجال رسمی به سر برده است، با چشم دیده‌ها و استدراکات خود اقیهای تازه‌تری را نشان داده و به عنای کتاب افزوده است. اما قابل توضیح است که سال ۱۳۳۳ آغاز چاپ است و احتمال دارد که جریان تا سال ۱۳۳۵ و حتی اوائل ۱۳۳۶، ادامه یافته باشد زیرا اكمال طبع و توزیع آن در سال ۱۳۳۶، تحقق یافته است.

۷- سراج التواریخ - جلد چهارم

در مورد اینکه جلد چهارم که به زمان حکمروایی حبیب الله اختصاص داده شده بود و به تحریر در آمده نمی‌توان تردید نمود، زیرا بدان‌سان که از لابه‌لای جلد سوم استنباط می‌شود، حبیب الله خان علاقه زیادی به تدوین تاریخ عهد اخیر افغانستان و خاصتاً دوران امارت خود ابراز می‌داشت و بدین اساس همزمان بانگارش جلد سوم، مدارک و اسناد جلد چهارم مسوده و تنظیم می‌شد و از این جاست که شرح و گزارش بسیاری از رویدادهای مندرج در جلد سوم به جلد چهارم ارجاع یافته و حواله داده شده که از جمله (۲۵) مورد آن به نظر نگارنده رسیده است.

علاوه بر نظریاتی که در باره موجودیت جلد چهارم وجود دارد، اعلانی که در شماره‌های متعدد سال ششم سراج الاخبار افغانستانیه (۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ قمری) به چاپ رسیده وجود آن را مسجل می‌دارد:

اچون سراج التواریخ چهار جلد می‌باشد که اگر در یک وقایه شیرازه می‌شد حجم کتاب موجود کلان می‌شد. لذا... امر نمودند که جلد اول و دوم در یک وقایه شیرازه شود و جلد سوم و چهارم آن که هنوز در زیر طبع می‌باشد پس از آنکه از طبع بر آمد (و) مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن خواهد شد.^۲

از این اعلان استنباط می‌شود که بعضی از بخشهای جلد چهارم حتی زیر چاپ نیز رفته است.

یکی از موارد اهمیت سراج التواریخ این است که مؤلف، با شهامت زیاد و بدون هراس و بطور زیرکانه در هر جای اثر خود گاهی به صراحت و زمانی در لفافه الفاظ

۱. سراج التواریخ، ج ۳، ص ۵۰۰ و ۵۲۲.

۲. سراج الاخبار افغانستانیه ش ۲۴ ص ۶ شوال ۱۳۵۵.

و عبارات، رشوت خواری، جور و ستم و دیگر بدکاریهای کارداران وقت رادر هر موقف و مقامی که بوده‌اند مورد نکوهش و انتقاد قرار داده و افشا کرده است و از همین جاست که گویند بارها مورد عتاب و سرزنش واقع گردیده است.^۱

۸- تاریخ حکمای متقدم:

هنگامیکه کاتب در عضویت دارالتألیف بود و از امر تاریخ نگاری به وجه رسمی فراغت داشت کتاب تاریخ حکمای متقدم را به نگارش در آورد و چنانکه از نام آن پیداست. با اختصار از حیات حکمای قدیم بحث می‌راند این کتاب به سال ۱۳۰۲ شمسی از روی خط مؤلف در مطبعه معارف به چاپ رسیده و دارای (۱۸۹) صفحه می‌باشد.

۹- فیضی از فیوضات

این کتاب را کاتب هنگامیکه با رسمیات کمتر ارتباط داشته و مانند گذشته مکلف به رعایت بعضی از مسائل نبوده است، نوشته و در آن از چشم‌پیداها و استدراکات خود مطالب انتقاد آمیزی نسبت به کار داران بزرگ وقت جا داده است نسخه یگانه‌ای این اثر گویا به خط خود مؤلف در خانواده مهدی فرخ موجود است.^۲

۱۰- تذکرة الانقلاب:

هنگامیکه استیلای حبیب‌الله بن هدایت‌الله معروف به بچه سقو که ملا نسبت عدم حصول بیعت از هزاره‌یی بهسود، مورد عتاب واقع گردیده و خانه نشین بود کتاب تذکرة الانقلاب را که گزارش دست اول از حوادث چند ماهه تسلط حبیب‌الله مذکور می‌باشد به تحریر در آورده است. این کتاب با قطع ۱۷×۲۱ در (۲۰۹) صفحه به نستعلیق ریز به دست خود مؤلف کتابت شده است و حدود یک و نیم ماه از روزهای آخر حبیب‌الله را در بر ندارد و ناتمام می‌باشد ولی گفته می‌شود که مسوده وقایع این مدت نیز در بین یادداشتهای او وجود دارد که فرصت ثبت آن در کتاب، مؤلف را دست نداده است.^۳

کتاب تذکرة الانقلاب که شامل مشاهدات و مسموعات مؤلف در همان ایام می‌باشد سندی موثق است از جریانات آن هنگام خاصاً که مؤلف بدون کدام شرط و قید و ترس از سانسور، حقایق اوضاع را به ثبت آورده است.

۱. برای شناسایی بیشتر راجع به سراج التواریخ، به مقالات بعدی در این مجموعه مراجعه شود.
۲. مقاله‌ای در باره این کتاب در همین مجموعه وجود دارد که می‌توان از آن استفاده نمود.
۳. تاریخ نگارش این اثر (۱۳۰۷) شمسی است و مقاله نیلاب رحیم در این مجموعه ارزش آن را بازتاب می‌دهد.

۱۱- بخش دوم از جلد سوم سراج التواریخ

وقایع پنج ساله‌ای (۱۳۱۴-۱۳۱۹) مربوط جلد سوم سراج التواریخ که در موقعش از چاپ باز داشته شده در مجموعه آثار ملای کاتب که برای آرشیف ملی خریداری گردیده، شامل می‌باشد. این بخش که مؤلف خود به خط عادی آن را آماده کرده است (۴۱۶) صفحه دارد.

مطالعه این قسمت بسیاری از وقایع سالهای ۱۳۱۴ - ۱۳۱۹ قمری را که در دیگر مراجع بازتاب نیافته و اکثر چشم‌دید مؤلف و مستند به مدارک موثق و نشر نشده می‌باشد، در این مقطع زمانی تاریخ کشور روشن می‌سازد.

۱۲- امان الانشا:

علی محمد پسر کاتب گفته بود که پدرش کتابی در انشا نوشته بوده که از میان آثارش مفقود شده است، اما فدا محمد نواسه ملا به دکتور محمد یعقوب واحدی اظهار داشته که کتابی به نام امان الانشا از تألیفات پدر کلانتر، نزد کاکایش در مزار شریف موجود است و بدین صورت موجودیت کتاب امان الانشا مسلم گردید و مسأله فقدان آن که علی محمد گفته بود از میان رفت و امید است روزی این اثر نیز در مجموعه آثار کاتب در آرشیف ملی اضافه شود و از میان نرود.

۱۳- بخش یکم از جلد پنجم امان التواریخ مؤلف

Government and Social in Afghanistan

چاپ امریکا در مورد کتاب امان التواریخ ضمن مطالب دیگر راجع به جلد پنجم آن می‌گوید: «...جلد پنجم شامل دو بخش می‌باشد که بخش یکم آن معرفی و شرح قبایل افغانستان است که به قلم فیض محمد کاتب مؤلف سراج التواریخ نگارش یافته است. این بخش خیلی مهم است چونکه فیض محمد معلومات دقیق از قبایل افغانستان و رابطه آنان با حکومت مرکزی داشته است که در اینجا آزادانه به تفصیل چگونگی اوضاع و احوال این قبایل پرداخته که با چنین روحیه‌ایی در سراج التواریخ نتوانسته است دست یازد. ص ۲۵۴»^۱

این نکته قابل یاد آوری است که عبدالمحمد مؤدب السلطان مؤلف امان التواریخ، جلد پنجم این اثر خود را دو بار تحریر کرده است، بار اول با معلومات قلیل و دست دوم در ۲۲۵ صفحه و بار دیگر پس از مسافرت به افغانستان در (۳۹۷) صفحه او در این سفر خود مواد و مدارک دست اول چاپ نشده را از نزد کاتب به

۱. این مطلب و باره‌یی دیگر از مطالب را بوهاند دکتور صدیقی از کتاب ذکر شده ترجمه نموده‌اند که از یادداشتهای مرصوف استفاده شد.

دست آورده و آن را عیناً یا با کمی تعدیل در بخش یکم کتاب خود جا داده است. «...در سنه ۱۳۴۰ قمری که به افغانستان مسافرت نمودم... و جناب فضایل مآب و معارف نصاب ملا فیض محمد کاتب که جامع کمالات عالیه و معلومات مفید بوده به تدوین و تحریر... نگارنده را مرهون کلک هنر سلک خویش فرمود.» (جلد پنجم، ص ۸۷).

و در پایان بحث گوید: «این بود ذکر قبایل و طوایف اقوام افغانستان که به اهتمام عالم مدقق فرزانه ملا فیض محمد خان، صاحب سراج التواریخ به دست نگارنده‌ای سطور حاجی میرزا عبدالمحمد خان اصفهانی ایرانی ملقب به مودب السلطان، صاحب جریدهٔ چهره‌نما رسید و نگارش شد...» (ص ۱۳۲).

در بارهٔ جلد پنجم امان‌التواریخ و معلومات بیشتر راجع به آن مراجعه شود به «نگرشی بر نسخهٔ خطی امان‌التواریخ»^۱.

۱۴- تاریخ عصر امانیه

در آرشیف ملی، سواد فرمان تاریخی شانزده ثور ۱۲۹۹ شمسی امان الله خان به عنوان ایشیک آقاسی نسبت به ادامه نگارش تاریخ وطن تا عصر امانیه موجود است که در آن فیض محمد کاتب مجدداً به انجام این امر مهم مأمور ساخته شده است قسمتی از متن فرمان چنین است: «...فضایل همراه ملا فیض محمد کاتب از حضور والای ما کما فی السابق به تاریخ نگاری مأمور گردیده که تتمه واقعات سراج التواریخ و واقعات عصر امانیه را همواره انشاء الله تعالی تألیف و اجرا نماید... و ملا فیض محمد خان به درستی شاعلی تألیف کتاب مذکور باشد، احوالات ظاهر و علانیه را به قرار شرح مندرجه فرمان هذا برای کاتب مذکور سیاهه بدهند، فقرات سری و خفیه که به ذریعهٔ اوشان اجرا شده بیرون نویس کرده از ملاحظهٔ حضور بگذرانند، در هر کدام اجازت شد برای کاتب مذکور بدهند»^۲.

در این فرمان هدایت داده شده که برای اكمال کار این تاریخ از کتاب ثبت فرامین و گزارشات، ثبت فرامین سال اول جلوس، واقعات و سرگذشت اشخاص، کتب ثبت دفتر تعلقه یاور حضور و کتب ثبت فرامین تعلقه ناظر عدلیه، واقعات رفتن صدر اعظم به قندهار از زبان خودش، واقعات سمت جنوبی از زبان سپه سالار، کتب عهد سلطنت امیر حبیب الله خان، کتب ثبت دفتر مکتوب نویسی حضور اشتهارات، واقعات سمت مشرقی از زبان عبد الرحمن سفیر، به حیث مراجع دست اول استفاده شود

۱. مجله کتاب، ش ۱، ص ۴، ۱۳۶۰ (نوشته نیلاب رحیمی).

۲. متن کامل این فرمان در آرشیف ملی دیده شود.

و همچنان در مورد مواد خوراکی و خدمتگاران برای مؤلف در فرمان تأکید صورت گرفته تا در کار تاریخ نویسی معطلی بروی کار نیاید و کاتب به درستی شاغل تألیف باشد. کاتب که تا ده سال دیگر پس از این فرمان حیات داشته مسلماً به امر پادشاه وقت، تاریخ عصر امانیه را نوشته است. این کتاب فعلاً در دسترس نیست، اما استاد شهرستانی در سال (۱۳۳۴) شمسی نسخه از آن را به خط خود کاتب نزد عبد العفو غرقه (بعداً بابری) دیده که به قول خودش از کتابخانه معارف گرفته و برای خود نقل بر می داشته است. گویا این کتاب به کتابخانه معارف اعاده نشده و معلوم نیست فعلاً در کجاست. دکتر محمد یعقوب واحدی نیز قول استاد شهرستانی را به تأیید گرفت و پوهاند حبیبی نیز ضمن صحبتی این مطلب را تصدیق نمود.

۱۵ - فقرات شرعیه:

نامه‌ای که تاریخ پانزده جوزای (۱۳۰۰) را دارد در آرشیف ملی موجود است. در این نامه به موجب هدایت امان الله خان، کاتب مؤظف ساخته شده که با نظریه ملا عبد الواسع آخوندزاده کتاب فقرات شرعیه را تحریر نموده و تصدیق آخوندزاده مذکور را حاصل بدارد.

در ظهر این نامه نوشته شده: «روز سه شنبه هفت سرطان از کار مذکور فارغ شده به کار سوانح عمری ایشیک آقاسی صاحب پرداختم فقط ۱۸ سنبله کار تاریخ عمومی و انقلاب افغانستان را به اسلوب درست که خود حسب الامر اعلی حضرت به او مشوره می دادم موازی سیزده جزوه تحریر کرده است.»^۱

به موجب یادداشت ظهر نامه که شاید به دست ملا عبد الواسع آخوندزاده نوشته شده باشد، علاوه بر اکمال «فقرات شرعیه» ۱۳ جزوه از تاریخ عمومی و انقلاب افغانستان را تحریر کرده است. مراد از تاریخ عمومی ادامه سراج التواریخ خواهد بود اما در باره کتاب انقلاب افغانستان معلوماتی درست در دست نداریم.

۱۶ - یادداشتها و مقالات کاتب

در مجموعه آثار ملاکه در آرشیف ملی نگهداری می شود بیش از ده هزار صفحه یادداشت‌های مختلف در باره رویدادهای افغانستان به قلم و به خط کاتب موجوداند که قسمتی از آنها در اجزای چاپ شده آثار او مورد استفاده قرار گرفته و از قسمت دیگر استفاده صورت نپذیرفته است. همچنان مقالات چاپ و چاپ نا شده‌یی از کاتب بر جای مانده که گفته می شود بعضاً در سراج الاخبار و مجله حی علی الفلاح و آیینه عرفان به چاپ رسیداند.

این نوشته‌ها را می‌توان جمعاً به نام «یادداشتها و مقالات کاتب» به‌حیث یک اثر از او به‌قبول آورد تا روزی به‌صورت مجموعه منظمی در آورده شود و مورد استفاده اهل دانش قرار گیرد.

کاتب از پاسداران فرهنگ و ادب وطن ما بود. او با احاطه‌یی که در تاریخ و ادب و مردم‌شناسی و سیاست و دیانت داشت، رسالت خود می‌دانست که با استفاده از موقف اجتماعی خود یعنی خیزگاهی که در اختیار داشت، استنباطات و استدارکات و احساس خود را از اوضاع و شرایط سیاسی و اجتماعی افغانستان، با امعان نظر و هوشیارانه، به نسلهای بعد از خود انعکاس بدهد و نقش توده‌های مردم را در تحولات جامعهٔ یخ‌بسته و روابط یخ‌زده آن روزگار و لحظه‌های حساس و دقایق نا شناخته از پیشامدها و پیامدهای وقایع را به مقیاس وسیع باز نماید و روشنیها را بر تاریکی‌ها چیرگی و مشرورعیت بخشد.

ب. آثار تحریر شده به خط کاتب

ملا در آغاز شمول به امر نویسندگی (۱۳۱۰ قمری) نسبت داشتن خط نستعلیق خوب، بیشتر به استنساخ کتابهای مورد توجه مقامات در باری موظف ساخته می‌شد و از همین سبب به «کاتب» شهرت پیدا کرد و بعد این کلمه را به جای تخلص پیوست نام خود گردانید و صفت «ملا» که پیشوند نام اوست به دانش او در علوم اسلامی ارتباط می‌گیرد که آنهم با نام او پیوستگی محکم یافته است.

هنگامیکه او از استکتاب به امر تاریخ مکلفیت پیدا کرد باز هم در پهلوئی و وظیفه‌ای دومی، گاه‌گاه به ذوق شخصی خود یابه خواست یک مقام، به استنساخ دست می‌یازید، بدان‌سان او تا آخرین روزهای زندگی قلم را به زمین نگذاشت و از نگارش دست نکشید و هر دو بخش کار خود، (بخش تاریخی و بخش بازنوشتی) را در کنار هم به پیش برد و از اینجاست که همانگونه که کتابهای متعدد در تاریخ کشور به وجود آورد، بدانسان هم کتابهای زیادی را استکتاب و استنساخ نمود.

تعداد کتابهای که به وسیله کاتب استنساخ شده اضافه بر اینکه دارای ارزش زیاد هنری می‌باشند، این اهمیت را نیز دارند که بعضی از این کتابها با استنساخ و خط او از خطر نیستی نجات پیدا کرده‌اند.

نام کتابهاییکه به خط او مانگار شده به مقصد آشنایی یا آثار کتابتی ملا که مکمل آثار نگارشی او می‌باشند به اختصار در اینجا آورده می‌شوند.

۱- دستور العمل آگهی:

این کتاب مجموعه‌یی از دستورات او رنگ زیب به شاهزادگان و نت است که

در (۱۶۵ق) به وسیله راجه یامل تنظیم گردیده است. کاتب این دستورات را به دستور حبیب الله خان در (۲۳۰) صفحه و قطع ۱۸×۱۱ دستنویس کرد و به تاریخ ۲۹ رجب ۱۳۱۱ ق در جلال آباد به اتمام رسانید.

۲- دیوان شهاب ترشیزی:

شهاب که شاعر عهد تیمورشاه درانی بود و در افغانستان به سر می برد، دیوانش در (۳۵۸) صفحه بقطع ۲۴×۱۶ به خط نستعلیق با تذهیب و جداول مطلا در ماه شعبان ۱۳۱۳ ق توسط کاتب به استنساخ در آمد و این نسخه در آرشیف ملی موجود است.

۳- در بیان فیوزهای ضربدار:

موضوع رساله عبارت از ترکیب کردن و به گداز آوردن وسیله انفجاره ایست که به فیوز (fuse) مسمّا می باشد و برای مقابله با دشمن به کار می رود. در رساله طریقه ساختن و به کار بردن و حفاظت و خصوصیات فیوز بافیله تشریح گردیده و به احتمال قوی ترجمه از متن انگلیسی می باشد استنساخ این اثر در ۱۰۲ صفحه در ربیع الثانی ۱۳۱۷ قمری به دست کاتب به فرجام آمده است.

۴- تحفة الحیب - جلد دوم:

جلد دوم تحفة الحیب که اثر خود کاتب است در ماه شوال ۱۳۲۲ ق به پایان آورده شده و قطع این اثر ۲۸×۱۷ و در (۸۸۵) صفحه می باشد.

۵- تحفة الحیب - جلد سوم:

گرچه تصور می شد که جلد سوم تحفة الحیب به نگارش در نیامده، مع الوصف درین اواخر نسخه یی از آن به آرشیف ملی عرضه شده است. این نسخه که به خط عادی و ریز مؤلف نوشته شده شاید نسخه اصلی باشد که سانسور و پاکنویس نشده. اوراق موجود نسخه تا صفحه (۲۳۶) را نشان می دهد که وقایع مندرجه در آن از ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۷هـ رسیده و صفحات بعدی آن موجود نیست و نسخه به صورت نا تمام می باشد.

۶- سراج التواریخ جلد های ۲ و ۱:

این نسخه که در حواشی، یادداشتهای امیر حبیب الله خان و بعضی از رجال عهد را دارد به خط نستعلیق کاتب در (۱۰۸۶) صفحه می باشد و در شماره (۲۱-۴۳) آرشیف ملی محفوظ است. گویا این نسخه به عبد الحی حبیبی تعلق داشته و بعداً به کتابخانه دار التحریر انتقال یافته است. پوهاند حبیبی ضمن مقالتی در باره این نسخه به نام اولین مسوده سراج التواریخ گفت و گو نموده که در شماره سال ۶ (۱۳۲۷) مجله آریانا به نشر رسیده است. کتابت این اثر در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۳۳ ق انجام یافته.

این نسخه احتمالاً مسودات جلد سوم است که به خط روزمره مؤلف تسویه گردیده و حوادث سالهای ۱۳۰۰ - ۱۳۱۲ را در بر دارد و به قطع بزرگ (۱۰۰۴) صفحه می‌باشد این نسخه به صورت غیر مجلد از خانواده کاتب برای آرشیف ملی خریداری شده و اکنون به صورت مجلد در شماره ۲۵ - ۹۵ آرشیف نگهداری می‌شود. اهمیت این نسخه در آن است که سانسور نشده و موارد زیادی را نشان می‌دهد که در نسخه چاپ شده وجود ندارد.

۸- سراج التواریخ - اجزای ۹۲ گانه از جلد سوم:

در سال ۱۳۵۸ به تعداد (۱۸) جزوه از جلد سوم از خانواده کاتب خریداری گردیده بود، بعداً فدا محمد نواسه ملا به تعداد (۷۴) جزوه دیگر آن را به آرشیف عرضه نمود که جمله ۹۲ جزوه می‌شود.

اگر جزوه‌های (۷۳) و (۸۵) آن نیز کمبود نمی‌بود در آن صورت تعداد این جزوه‌ها به صورت منظم به (۹۴) بالغ می‌گردید. هریک از این جزوه‌ها با قطع بزرگ دارای ۳۲ صفحه (۱۷) سطری می‌باشد و در جزوه (۹۴) عدد صفحات به (۳۰۴۶) رسیده است و از لحاظ زمانی حوادث سال ۱۳۱۵ هجری در جزوه‌های اخیر به مشاهده می‌رسد. این جزوه‌ها به خط نستعلیق خود کاتب پاک نویس شده و هر کدام امضای هیات سانسور به شمول امضای خود حبیب الله خان را دارد و اجازه چاپ را، نیز در آنها می‌توان مشاهده نمود.

۹- امان التواریخ - جلد اول:

استنساخ جلد اول امان التواریخ در (۲۷۴) ص به قطع بزرگ ۲۱×۳۳ به تاریخ بیست و چهار سنبله ۱۳۰۱ (۱۳۴۰ قمری) توسط ملا به پایان آورده شده است.

۱۰- امان التواریخ - جلد سوم:

در باره نسبت کتابت این جلد به خط کاتب، در مقاله‌ای چنین گفته می‌شود: «اما از شواهد و دلایل می‌توان فهمید که کلک توانا و هنرمند فیض محمد کاتب مؤرخ بزرگ عصر ما آن را استنساخ کرده است.»^۱

۱۱- امان التواریخ - جلد چهارم:

جلد چهارم امان التواریخ که ۴۵۴ صفحه دارد در ۱۷ حوت ۱۳۰۱ شمسی (۱۳۴۰ هجری) به خط کاتب به پایان آمده و این اثر در آرشیف ملی موجود است.

۱. نگرشی بر نسخه خطی امان التواریخ، نوشته نیلاب رحیمی، مجله کتاب، ش ۱، ص ۲، ۱۳۶۰.

۱۲ - امان التواریخ - جلد هفتم:

گرچه در انجام این نسخه که عکس آن در کتابخانهٔ اکادمی علوم موجود است امضای کاتب به نظر نمی‌رسد، اما تطبیق آن با دیگر نسخه‌های کتابت او نشان می‌دهد که این جلد نیز توسط او استنساخ شده است. این مطلب را استاد مایل هروی که به شناخت خط مهارت دارند تأیید نمودند.

۱۳ - تاریخ حکمای متقدم:

این کتاب از تألیفات خودکاتب است و به سال ۱۳۰۲ شمسی (۱۳۴۲ قمری) از روی خط خودش چاپ شده است که بقطع کوچک (۱۸۹ صفحه) دارد.

۱۴ - تذکرة الانقلاب:

از کتاب تذکرة الانقلاب که هم تألیف و هم به خط ملاست نسخهٔ یگانه‌ایی در آرشیف ملی نگهداری می‌شود. این اثر پراهمیت به قطع ۱۷×۲۱، (۲۰۹) صفحه را احتوا می‌کند و به نستعلیق ریز کتابت شده.

۱۵ - فیضی از فیوضات:

گرچه نسخه یگانه این اثر در دست نیست، اما از نظر اهمیتی که می‌توان بر آن قایل شد، جز خودکاتب دیگری آن را کتابت، نکرده است.

۱۶ - یادداشتهای وقایع مختلف افغانستان:

مجموعهٔ این یادداشتهای که به حوادث سالهای مختلف تا ۱۳۱۹ قمری ارتباط پیدا می‌کند، قسماً دست اول می‌باشد. که تکمیله قرار یافته و قسماً دست نخورده و دست اول می‌باشد. که تکمیلهٔ جلد سوم سراج التواریخ شمرده می‌شود. این یادداشتهای که باقطع ربعی در (۱۴۷۸) صفحه نظم یافته، گاهی به خط معمولی و روز مره و گاهی به خط نستعلیق ریز نوشته شده‌اند.

در فرجام گفتار باید یادآوری نمود که به یک سنجش قیاس حجم تألیفات کاتب از (۶۰۰۰) صفحه و آثار کتابت شده به خط او از (۱۰۰۰۰) صفحه در می‌گذرد و اگر در زمینهٔ پیدایی آثار تألیف شده توسط او و آثار نوشته شده به خط او تجسس بیشتر به عمل آورده شود احتمال زیاد موجود است که در بدست آمدن نوشته‌ها و نگاهشته‌های دیگر او باز هم توفیقاتی به دست آید.